

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1393/07/07



موضوع: جمع بندی بحث ازاله نجاست

گفته شد که ازاله نجاست به وسیله آب جاری به مجرد ازاله عین محقق می شود و قول دوم هم این بود که ازاله نجاست و تطهیر محقق نمی شود مگر اینکه لون و رائحه نجاست هم زدوده شود. در این رابطه ادله ای گفته شد از جمله دلیل عقلی و علمی که به این صورت بود که انتقال عرض بدون انتقال معروض ناممکن است و از لحاظ علمی هم لون و رائحه که از نجاست به جای بماند، براساس دقت علمی ذرات از عین نجاست هرچند نامرئی در آن لون و رائحه وجود دارد. و بعد هم گفته شد که ازاله لون و رائحه مورد احتیاط هم است. اما انتقال عرض یا تحلیل علمی که ذرات نامرئی نجاست همراه با لون و رائحه خواهد بود، گفتیم که سیدنا الاستاد می فرماید: مدار اعتبار عرف است و بعد اضافه کردیم که نجاست فقط اعتبار شرعی است، شرع به آن میزان اعتبار کرده است. گفته است که ازاله عرض و اجزاء صغار کافی است و ازاله لون و طعم لازم نیست. ما تابع اعتباریم چنانچه که در غسله استنجا اعتبار کرده است طهارت را. غسله استنجا طاهر است هرچند از لحاظ علمی ذرات نسبتاً ملموسی با غسله استنجا همراه باشد ولی شرع اعتبار می کند. اصل آن عسر و حرج باشد یا چیز دیگری باشد، به ما ربطی نداریم، ما تابع جعل شرع و اعتبار شرع هستیم.

نکته توضیحی علم و شرع جدا نیستند

یک نکته توضیحی هم گفتیم که شرع و علم در این رابطه تنافی ندارد، اختلاف عملی وجود ندارد. مثلاً هدف علم در اجتناب از نجاست بهداشت است و هدف شرع در اجتناب از نجاست طهارت است. و هر کدام اثری دارد، اثر علمی این است که شیء آلوده و نجس تاثیر ضد بهداشتی دارد و شرع می گوید نجس در طهارت آلودگی و ناپاکی و خباثت ایجاد می کند و باید اجتناب بشود اما شرع می گوید اگر شیء نادی مثل لون و طعم باقی بماند، صدمه ای به طهارت نمی زند و درست علم می گوید اگر ذره ریزی به مقدار از شیء آلوده به غذای شما

مثلاً خلط بشود تاثیرگذار نیست، و صدمه بهداشتی وارد نمی کند. همان که شرع می گوید اعتناء نکنید، علم هم می گوید به آن اعتناء نکنید. پس عدم بودن ذره ریز ولو عقلاً و علماً وجود دارد از نظر شرع و علم خنثی و بلا اثر است. پس علم را با شرع جدا نکنید و با هم تطبیق می شود. سوال دیگری شد که پس از که می گوئید اجماع محقق در معتبر بر این است که ازاله به وسیله زدایش اجزاء صغار نجاست محقق می شود، دیگر اصلاً اصل برائت زمینه ندارد. جواب آن این است که شک بدوی یک چیز ابتدائی است و اصل ازاله و ماهیت ازاله به همان مقدار زدودن اجزاء صغار حل شد، یک شکی می آید که این رنگی که باقی مانده آیا این رنگ هم واجب است ازاله کنیم یا واجب نیست؟ اینجاست که می گوئیم شک در ازاله رنگ مضافاً بر ازاله اصل نجاست دلیل ندارد و اصل برائت است.

توضیحی درباره احتیاط

در همین جهت گفتیم که قول دوم مطابق احتیاط است، جواب احتیاط این است که اولاً درباره احتیاط به طور کل احتیاط وجوب و لزوم ندارد و به طور کل احتیاط مستحسن است و احتیاط در اطراف علم اجمالی اگر به عسر و حرج برخورد، احتیاط لزومی است. احتیاط در شبهه اعراض و نفوس احتیاط وجوبی است. و احتیاط در این مورد اگر هم به آن ملتزم بشویم، یک احتیاط مستحبی است، چون یک شک ابتدائی را آدم انجام بدهد، احتیاط حسن اش محفوظ است، پس ملاک احتیاط وجوبی و لزومی و مستحبی برایمان معلوم شد. نکته دوم اینکه احتیاط جایی زمینه دارد که از سوی شرع یک دلیلی معتبری در مسئله نداشته باشیم، پس از که اجماع معتبر در کتاب معتبر از سوی محقق حلی در اختیار ماست، دیگر زمینه برای احتیاط مهیا نمی بینیم. و اشکال دیگر اینکه گفته شد که اگر بناء بشود که به قاعده فلسفی اعتماد کنیم که استحاله انتقال عرض بدون انتقال معروض است، در این رابطه ما یک جای دیگری است از مطهرات به نام استهلاک که قطعاً جزء مطهرات است، در استهلاک هم همین اشکال می آید. آن متنجسی یا نجسی که مستهلک شده است در شیء طاهر، براساس تحقیق علمی ذرات ریز آن است، بنابراین آنجا هم باید آن حرف را بزنیم که می شود موید. اما تحقیق این است که در استهلاک این اشکال پیش نمی آید، برای اینکه منظور از استهلاک انهدام موضوع است که موضوع مستهلک کاملاً از بین می رود و از لحاظ علمی استهلاک کامل که بشود آن ماهیت قبلی تجزیه می شود حتی با چشم مسلح هم دیده نمی شود اما در استحاله گفتیم تبدیل به ماهیت دیگر است نه انعدام و استهلاک.

تحقیق فتوای متن درست است

نتیجه این شد که صحیح و حکم فتوای درست همان است که در متن آمده که تطهیر و ازاله نجاست به وسیله آب جاری به اندازه ای که اجزاء صغار نجاست زدوده شود، کافی است

تتمه

اما یک تتمه را ما اینجا اضافه می کنیم و آن این است که گفتیم عصر و عسر و حرج. تمام اهتمام که فقیه همدانی کلام شیخ طائفه را خوب وجهی برایش بیان کرده که ما بگوئیم جریان آب مزیل و مطهر است تنها کافی نیست، بلکه عصر و فشار و دقت تا اینکه ذرات از

آن بیرون برود، لازم است. لذا ما می‌گوییم برای زدودن نجاست علاوه بر وصل آب جاری از عصر و فشار دادن هم استفاده کنیم تا جایی که به مرز عسر برسد که در این صورت وظیفه‌ای نداریم.

سوال: اگر زمین نجس باشد، همین که وصل بشود آیا طاهر می‌شود؟
 جواب: در تطهیر آب متنجس گفتیم که مشهور این است که اگر آب متنجس باشد یا زمین متنجس باشد، با آب جاری که وصل بشود کافی است اما ما گفتیم به مقتضای اصل بر خلاف علم وجدانی نمی‌توانیم عمل کنیم. مشهور این است که اگر یک ظرف بزرگی از آب متنجس است، همین که به آب جاری وصل شد متطهر است ولی ما علم داریم وجدانا که به مجرد وصل قسمت‌هایی با آب جاری اصلا ارتباط برقرار نکرده. بنابراین گفتیم بر مقتضای اصل اگر مخالف علم وجدانی باشد، عمل کردن جایز نیست. لذا به تأیید رأی بنده سیدنا الاستاد هم می‌فرماید: در اینگونه تطهیر امتزاج شرط است، آن آب جاری با آب متنجس باید امتزاج پیدا کند.

سوال: یک مشکل دیگر است که مشکل حقیقی و اعتباری بودن است.
 جواب: اعتباری بودن است اما به شرط اینکه مخالف علم وجدانی نباشد. اگر آب جاری وصل بشود به مجرد وصل مطهر نیست، چون می‌دانیم وجدانا آن قسمت که مضاف و متنجس بود، وجدانا باقی است و وجدان را نمی‌توانیم به مقتضای اصل عوض کنیم، لذا امتزاج لازم است. مطلب دیگری که گفتیم این بود که عسر و حرج را هم فقهاء گفته اندو لکن عسر و حرج را فقط علامه حلی فرموده اند و صاحب جواهر هم فرمود. اما ما گفتیم عسر و حرج را به طور اطلاق مطرح کردند که اگر در ازاله لون و رائحه عسر و حرجی باشد باید به همان اجزاء صغار اکتفاء کرد، ما گفتیم طهارت طبق آنچه در نصوص آمده ازاله اجزاء صغار است، اما مضافا بر آن برای اینکه جمع بین حقیق کرده باشیم ادله قول دوم که شش دلیل بود، جمع بین حقیق این می‌شود که ازاله را به همان مقدار اکتفاء می‌کنیم ولی عملیات عصر و فشار باید انجام بشود و عصر و فشار که انجام شد رائحه و لون اگر باقی ماند، اشکالی ندارد که دیگر بعد از عصر و فشار طبیعتا عسری و حرجی می‌شود مطابق آنچه در فقه داریم که اگر مطلب عسری و حرجی شد، حکمی ندارد و حکمش مرفوع است.

سوال: بزرگانی که آمدند در اینجا حکم طهارت را گفته اند توجه به این علم وجدانی داشتند و هیچ کدام قید نزده اند
 جواب: امتزاج در کلمات بعضی‌ها آمده است سید الخوئی امتزاج را گفته اند.

کلام امام خمینی، ازاله نجاست مسامحی نیست
 امام خمینی قدس الله نفسه الزکیه یک شرط دیگری اضافه می‌کند که آن شرط دیگر به نفع است، یعنی عملیات تطهیر نباید مورد مساهله قرار بگیرد و باید به دقت و عملیات عصر انجام بشود. می‌فرماید: اگر گفتیم آنچه که در معتبر آمده است که برای ازاله نجاست

زدودن اجزاء صغار کافی است، این معنایش این نیست که آبی که عملیات تطهیر انجام می دهد از شیء متنجس بیرون نرود، بنابراین انفصال غساله لازم است. یکی از شرائط دیگر که امام خمینی فرموده است که انفصال غساله لازم است، یعنی عملیات تغسیل با دقت باید انجام بگیرد. آب جاری که وصل می شود به متنجس کافی نیست و باید از آن وادی عبور کند، آن آلودگی را بزدايد و غساله خودش از شیء متنجس منفصل بشود و به عبارت ایشان «انفصال غساله» از شیء متنجس باید صورت بگیرد و این خود دلیلی است بر اینکه شستشو و عملیات تطهیر در حد مساهله و سهل انگاری نباید باشد و باید با دقت و عصر انجام گیرد. که می فرماید: چنانچه بگوییم مجرد وصل آب به شیء متنجس و فراگرفتن نجاست برای تطهیر کافی است، دلیل بر تطهیر نداریم. برای اینکه صدق تطهیر عرفا به این مقدار محقق نمی شود بلکه تطهیر عرفا وقتی صدق می کند که غساله از شیء متنجس انفصال پیدا کند، و بیرون شود[1].

سوال: فرقی بین آب قلیل و آب کثیر نیست؟

جواب: حتی آب جاری، ایشان می فرماید حتی آب جاری، و اختصاص به آب قلیل ندارد.

سوال: مثلاً یک میخی نجس شده و ما دستمال خیس بکشیم روی دیوار، صرف تابش آفتاب آن را پاک می کند و اگر فرش نجس را جلوی باران بیاندازیم پاک می شود.

جواب: در این رابطه که آفتاب پاک می کند، مطهریت آفتاب و مطهریت آتش و غیبت و اسلام اینها هجده مورد مطهر داریم و ما مطهر اول را بحث می کنیم، آن مسئله ای که آفتاب مطهر است، دو تا شرط دارد: 1. محل ثابت باشد، 2. عین ملموس نجاست در محل وجود نداشته باشد. و همچنین به توسط نور آفتاب آن رطوبت خشک بشود و بدون واسطه. بنابراین مطهر شمس را بعداً بحث می کنیم. اما زمین که زمین مسجد یا دیوار مسجد است، اینها نجس می شود. هرچند مصلی طهارتش علی المشهور شرط نیست و علی الاحوط لازم است و باید تمام جای نماز پاک باشد علی الاحوط لزوماً. و اما علی المشهور شرط نیست. زمین خانه نجس شده، چه کنیم؟ راه آن این است که باید این را عسر نمی گوییم و یک مقدار عصر و فشار است، کاری است اما هر کاری هم که عسر نیست. باید آب تمام آن منطقه را ولو در حد اقل آب نفوذ کند، نفوذ آب صدق کند. بعد از نفوذ بنابر احوط که گفتیم باید آبی که نفوذ کرده از آنجا بیرون هم برود انفصال غساله براساس فتوای امام و تحقیقی که ایشان فرموده اند. غساله هم بیرون برود، بعد از که غساله بیرون رفت، محل تطهیر می شود و آن غساله ای که آن کار را انجام داده، خودش منجس است یا نیست، مسئله دیگری است که خواندیم و بحث کردیم. این شرط کامل شد که عبارت بود از اینکه آب جاری شیء متنجس را پاک می کند ولو رنگ و بوی نجاست باقی بماند و ازاله اجزاء صغار کافی است.

شرط دوم

اما شرط دوم: می فرماید: «منها عدم تغیر الماء فی اثناء الاستعمال»، آبی را که می خواهید برای تطهیر بکار بگیرید، خونی در لباس قرار گرفته و نسبتاً هم زیاد است، آبی را که روی آن

شئ متنجس می ریزید در حین استعمال آن آب متغیر به لون نجس نباشد، آب حجمش زیاد باشد که متغیر نشود. اگر آب در حین استعمال متغیر شود، مطهر نیست. سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه این مسئله را شرح می دهد و صوری برای این مسئله بیان می کند ان شاء الله شرح آن فردا.

[1] کتاب طهارت، امام خمینی، ج3، ص448.